



التهاب رسانه‌ای

چگونه در بحران رسانه‌ای
دست خانواده خود را بگیریم؟

● عطیه کشتکاران

در میان بگذاریم و نشانه‌های تردید در صدق و کذب هر خبر را با یکدیگر بسنجیم. تلاش کنیم که سطح گفت‌وگو را از پرداختن به اخبار جزئی و موج‌های یک روزه فضای مجازی و رسانه‌های دیداری ارتقا دهیم و فضای کلی حاکم بر کشور و منطقه را متناسب با میزان درک و فهم هر کس ترسیم کرده و اصول فکری، اعتقادی و مرزهای دشمنی معاندان را با همکاری دیگر اعضای خانواده مرور کنیم. اگر این گفت‌وگوها بدون تنش‌های کلامی پیش بروند، قطعاً برای همه طرف‌های گفت‌وگو مایه آرامش روان و سلامت اطلاعات خواهد شد.

اختلاف نظر رسانه‌ای

ممکن است پدرو مادریک خانواده درباره سیاست‌های رسانه‌ای حاکم بر رسانه‌های پرمصرف خانواده اختلاف نظرهایی داشته باشند و این مسئله به مخالفت آشکار و مشاجرات لفظی کشیده شود. در التهاب رسانه‌ای چه بسا واقعیات، بسیار متفاوت از حقیقت بازنمایی شوند و اختلاف رویکردها تنها سوابی مقطعی باشد که ارتباط میان فردی را مخدوش کند؛ بنابراین تا حد امکان باید از مواجهه فرزندان با اختلاف نظر والدین در برده‌های حساس زمانی و تهاجمات رسانه‌ای اجتناب کرد تا در فرصت مناسبی به دور از جبهه‌گیری و خط و نشان کشیدن، این مسائل بررسی شوند.

به طور کلی می‌توان گفت هدف رسانه‌ای دشمن که فرد فرد اعضای جامعه را تهدید می‌کند، ایجاد نامنی روانی، از میان بردن اعتماد میان افراد و نهادها و احساس نیاز به پشتونه و حامی خارج از میدان درگیری است. در این میان ممکن است قربانی این جنگ رسانه‌ای فرزند یا همسرشما باشد و امداد رسان این معركه تنها خود شما هستید. فراموش نکنید که همدلی و همراهی درسایه توکل بر خدا و امید به رحمت و گشایش او، بهترین درمان برای التهاب‌های رسانه‌ای جامعه است.

در طول زندگی بحران‌های زیادی از جنس سیل و زلزله را درک کرده‌ایم، اما بحران‌های رسانه‌ای نیز نوع دیگری از بحران هستند که موج انفجارشان با قدرت بالایی به کاربران فضای مجازی کشیده می‌شود. در این قبیل بحران‌ها، رسانه و عملیات روانی در فضای مجازی نقشی محوری ایفا می‌کنند و کاربران، خواسته یا ناخواسته، به بازیگران این جریان‌های رسانه‌ای تبدیل می‌شوند. هیچ‌کس در زمان بحران‌های رسانه‌ای از تهاجم اخبار جعلی و آزدگی‌های روحی ناشی از جریان بی‌محابای پخش اطلاعات نادرست، ایمن نیست و ترکش‌های آن تا فضای خانواده‌ها نیز کشیده می‌شود، اما راهکارهایی برای به حداقل رساندن این نوع از آسیب‌ها به خانواده وجود دارد که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها را مرور می‌کنیم:

همراهی در تحلیل

صحبت کردن درباره پیشامدهای رسانه‌ای نه تنها از بار روانی اتفاقات می‌کاهد، بلکه موجب می‌شود اعصابی خانواده در گفت‌وگوهای صحت‌سنجه خبرهای رسیده نیز پیردازند. بسیاری از شایعات و تحلیل‌های نامستند از طریق پیام‌رسان‌ها و گروه‌ها به دست ما می‌رسد و با توجه به حجم بالای اطلاعات دریافتی، امکان بررسی صحت و سقم آن‌ها برای ما وجود ندارد. ممکن است در حلقهٔ بعدی انتشار تحلیل‌ها، اطرافیان نیز به آن افزوده شوند و هیجان‌های فردی خود را بر اطلاعات دریافتی تحمل کنند؛ بنابراین همه اعضای خانواده به گفت‌وگو برای انتقال اطلاعات و بررسی هم‌خواهی و تناقض‌های آن نیاز دارند؛ گفت‌وگویی درباره تحلیل‌هایی غیرازآنچه از یک رسانه خاص می‌شوند. برای آغاز گفت‌وگو منتظر دیگران نمانیم. از همسر یا فرزند خود بپرسیم که در محیط کار، تحصیل یا مدرسه چه چیزهایی می‌گفتند و به نظر آن‌ها، این مطالب چقدر به حقیقت نزدیک هستند؟ اگر کذب بودن خبری برایمان ثابت شد، حتماً آن را با خانواده

اگر کذب بودن خبری برایمان ثابت شد، حتماً آن را با خانواده در میان بگذاریم و نشانه‌های تردید در صدق و کذب هر رسانه‌ای حاکم بر رسانه‌های پرمصرف خانواده اختلاف نظرهایی داشته باشند و این مسئله به مخالفت آشکار و مشاجرات لفظی کشیده شود. در التهاب رسانه‌ای چه بسا واقعیات، بسیار متفاوت از حقیقت بازنمایی شوند و اختلاف رویکردها تنها سوابی مقطعی باشد که ارتباط میان فردی را مخدوش کند؛ بنابراین تا حد امکان باید از مواجهه فرزندان با اختلاف نظر والدین در برده‌های حساس زمانی و تهاجمات رسانه‌ای اجتناب کرد تا در فرصت مناسبی به دور از جبهه‌گیری و خط و نشان کشیدن، این مسائل بررسی شوند.

به طور کلی می‌توان گفت هدف رسانه‌ای دشمن که فرد فرد اعضای جامعه را تهدید می‌کند، ایجاد نامنی روانی، از میان بردن اعتماد میان افراد و نهادها و احساس نیاز به پشتونه و حامی خارج از میدان درگیری است. در این میان ممکن است قربانی این جنگ رسانه‌ای فرزند یا همسرشما باشد و امداد رسان این معركه تنها خود شما هستید. فراموش نکنید که همدلی و همراهی درسایه توکل بر خدا و امید به رحمت و گشایش او، بهترین درمان برای التهاب‌های رسانه‌ای جامعه است.